



## خودم را که نگاه می‌کنم ناامید می‌شوم

آیت الله تهرانی گفت: «اقبال به قلب» یعنی آن بعد وجودی من، که اشرف ابعاد وجودی من است، توجه تام پیدا می‌کند. هر چیزی که انسان به آن توجه قلبی داشته باشد، کاربرد دارد.

خودم را که نگاه می‌کنم ناامید می‌شوم / "اقبال به قلب" چیست؟

آیت الله تهرانی گفت: «&#171;اقبال به قلب» یعنی آن بعد وجودی من، که اشرف ابعاد وجودی من است، توجه تام پیدا می‌کند. هر چیزی که انسان به آن توجه قلبی داشته باشد، کاربرد دارد.  
به گزارش خبرگزاری مهر، بیست و سومین جلسه سخنرانی آیت الله مجتبی تهرانی ویژه ماه مبارک رمضان که با موضوع «&#171;دعا» دنبال می‌شود در پی می‌آید.

### مروری بر مباحث گذشته

گفته شد ماه مبارک رمضان ماه تلاوت قرآن و ماه دعا است؛ یعنی دعای به خیر کردن برای خود و دیگران، چه دنیوی باشد یا اخروی. به مناسبت ایام تذکراتی را دادم و اشاره کردم و رد شدم اما باز هم مقداری راجع به آنها بحث می‌کنم. عرض کردم که در باب مسئله اجابت دعا از ناحیه خداوند، بستگی به نظر داعی دارد؛ هر طور که دعا کننده به خداوند نظر داشته باشد که از او تقاضا کند و او را صدا بزند، خدا هم طبق نظریه او با او رفتار می‌کند. این جزو معارف ما است که سرخ دست دعا کننده است. بعد هم در کیفیت دعا به این معنا که به چه کیفیتی باشد بحث کردیم. گر چه در روایات تعبیر به «&#171;حسن ظن نسبت به مدعو» شده است. ولی آنچه هست این است که داعی، آنچه را از خدا درخواست می‌کند، باید نسبت به آن توجه داشته باشد که به هر مقدار، قلب او متوجه به خدا و امید او به خدا بستگی داشته باشد، خدا دعای او را رد نمی‌کند. به تعبیر من نسبت به دریافت حاجتش حالت قطعیت داشته باشد که به اجابت نزدیک است.

### حواست به خدا باشد!

روایتی است از امام صادق (صلوات الله علیه) که دارد: «&#171;إِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ»- وقتی دعا می‌کنی با دلت به خدا رو بیاور؛ یعنی لقلقه زبان و توهّمات نباشد. «&#171;اقبال به قلب» معنایش این است، یعنی آن بعد وجودی من، که اشرف ابعاد وجودی من است، توجه تام پیدا می‌کند. هر چیزی که انسان به آن توجه قلبی داشته باشد، کاربرد دارد.

### حاجتی که می‌خواهی، حاضر است!

&#171;وَظَنَّ حَاجَتَكَ بِاللَّابِ» دقت کنید! دو تا چیز مطرح می‌کند؛ یک: با تمام دلت از خدا درخواست کن و متوجه خدا بشو. از این طرف هم با این تعبیر بیان می‌کند: «&#171;وَظَنَّ حَاجَتَكَ بِاللَّابِ»؛ با دلت به خدا رو کن و دعا کن و حاجت را بخواه و بعد هم حاجت خود را ببین. کنایه از اینکه حاضر و آماده بین. عرض کردم: سرخ اجابت دست داعی است. در اینجا هم همین را می‌رساند. لذا این‌ها را اشاره کردم. قبلاً بحث‌های مفصل کرده‌ام و تقریباً این سخنان تکرار است.

### یک نگاه به خودم، یک نگاه به خدا

انسان در دعاهایی که می‌کند باید دو نظر داشته باشد. یک: نظر به خودم، دو: نظر به خدای خودم. یعنی چه؟ نظر به خودم، یعنی «&#171;نَعُوذُ بِاللّٰهِ» کارها و خطاهایی که کرده‌ام را نباید فراموش کنم و گفتم شاید این نوعی بررسی است. همه این‌ها را فشرده کردم و رد شدم. روایتی می‌خوانم که از زین العابدین (علیه السلام) است. بیان می‌کند، به وضع خودم نگاهی کنم که از نظر اعمالم در گذشته، چه کار کرده‌ام؟ و بعد نظر دوم که نسبت به خدا است. بنابراین داعی باید یک نظر به وضع حال خودش از نظر رفتارش در گذشته با خدای خودش بکند، یک نظر هم به خدای خودش که از او تقاضا دارد بکند. یک نگاه به خود و یک نگاه به خدا.

### به خاطر این سه چیز، از تو چیزی نمی‌خواهم

به خودم که نگاه بکنم، اجمالاً سه چیز را نسبت به کارهایم می‌بینم. این جملات از زین العابدین (صلوات الله علیه) است: «&#171;إِنَّهُ يَحْجُبُنِي عَنْ مَسْأَلَتِكَ خِلَالِ ثَلَاثٍ، وَتَحْذُونِي عَلَيْهَا حَلَّةٌ وَاحِدَةٌ»؛ خدایا سه چیز مرا باز می‌دارد تا از تو درخواست کنم. دقت کنید! این همان نظر اول است. یعنی وقتی به خودم، سوابقم، اعمالم و رفتارم با تو نظر می‌کنم، موجب می‌شود که من از تو درخواست نکنم؛ هیچ تعارف هم ندارم.

### به خودم نگاه نمی‌کنم!

از آن طرف، تنها یک چیز مرا وامی‌دارد که از تو درخواست کنم و آن نظر کردن به تو است نه خودم؛ اما وقتی به خودم نظر کردم: «&#171;يَحْجُبُنِي أَمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ»؛ باز می‌دارد مرا که از تو درخواست کنم، آن فرمانی را که تو به من کردی. امر کردی که این

کار را بکنم ولی من در انجام آن کندی و کوتاهی کردم. در این اولی به خودم نگاه کردم.

گفتی نکن، اما کردم...

دوم، &#171#171; وَ تَهَيَّ تَهَيَّتَنِي عَنْهُ فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ؛ نهی می‌کند که تو نسبت به من کردی؛ &#171#171; وَأَنْ كَارَ رَا نَكْنَ! اما من به سرعت رفتم و همان خطا و گناه را کردم. این را که نگاه می‌کنم، می‌بینم که مربوط به خودم است و من را از اینکه از تو درخواست کنم باز می‌دارد. &#171#171; وَ نِعْمَةً أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا؛ و نعمتی که به من عنایت کردی، اما من در سپاسگزاری آن کوتاهی کردم.

چگونه از خدا سپاسگزاری کنیم؟

سپاسگذاری و شکر نعمت چیست؟ شکر نعمت: یکی قلبی داریم و یکی زبانی و دیگری عملی است. اینجا اشاره به عملی است. شکر کنم، یعنی باید در راه رضای تو مصرف کنم، اما نکردم. &#171#171; وَ يَحْذُونِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ تَقْضُكَ عَلَى مَنْ أَقْبَلَ بَوَجْهِهِ إِلَيْكَ، وَ وَقَدْ بِحُسْنِ ظَنِّهِ إِلَيْكَ؛ آنچه که مرا به درخواست کردن وا می‌دارد، نگاه به تو است. به خودم نگاه نمی‌کنم. آنچه که مرا به درخواست کردن از تو می‌کشاند، تفضل تو بر کسی است که به درگاهت رو آورده و با خوش گمانی به سوی تو می‌آید. روایت اول که از امام صادق(علیه‌السلام) خواندم: هر احسانی که می‌کنی برای تفضل و هر نعمتی که می‌دهی، تو آغازگر آن هستی، &#171#171; يَا مُبْتَدِئًا بِالْيَعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا؛ که مفاد همین است.

شتر دیدی، ندیدی!

نظر به خود، مانع از درخواست است و نظر به تو راه‌گشا برای درخواست، حالا چرا این‌طور شده است؟ یک تعبیر ساده‌ای در گذشته کردم و گفتم: خدایا! شتر دیدی ندیدی! گناه از من دیدی، ندیدی! تصوّر نکنید که این جمله همین‌طور از دهانم درآمده. اصلاً و ابداً این‌طور نیست. طاووس یمانی می‌گوید: در مسجد الحرام بودم. شنیدم که زین‌العابدین(صلوات‌الله‌علیه) در مسجد الحرام این جملات را می‌گوید: &#171#171; سُبْحَانَكَ تَعْصِي كَأَنَّكَ لَا تَرَى؛ ای خدا! تو منزه‌ای. ای خدایی که معصیت تو و نافرمانی می‌شود، اما کأنه نمی‌بینی. این همان جمله است.

گناه را ندیده می‌گیرد

در اینجا می‌گوید: نه اینکه نمی‌بینی، بلکه گناه را ندیده می‌گیری. ببینید چه تعبیر زیبایی است. &#171#171; وَ تَحْلُمُ كَأَنَّكَ لَمْ تَعْصَ؛ بردباری به خرج می‌دهی و انگار اصلاً معصیت و نافرمانی تو را نکرده‌ایم، &#171#171; تَتَوَدَّدُ إِلَى خَلْقِكَ؛ به مخلوق محبت و لطف می‌کنی، چرا؟ چون کارهای کارهای خوب است، &#171#171; بِحُسْنِ الصِّيْعِ؛ یعنی به مخلوق محبت می‌کنی، یعنی با آن‌ها خوب رفتار می‌کنی.

خدا به من احتیاج دارد؟

&#171#171; بِحُسْنِ الصِّيْعِ كَأَنَّ بِكَ الْحَاجَةَ إِلَيْهِمْ؛ مثل کسی که به مخلوقش احتیاج دارد. چون ما این‌طور هستیم، مثلاً اگر بفهمیم که به کسی احتیاج داریم، او را خیلی تحویل می‌گیریم؛ برای اینکه فطرت ما همین است. می‌گوید: با مخلوق خوب رفتار می‌کنی، کأنه به او احتیاج داری. مثل تعبیرات عوامانه خودمان است وقتی در این شرایط به خودمان می‌گوییم: باید هوای فلانی را داشته باشیم، کارمان در دست او است. در اینجا هم می‌گوید: به خلق خود محبت می‌کنی با خوب رفتار کردن با آن‌ها، &#171#171; كَأَنَّ بِكَ الْحَاجَةَ إِلَيْهِمْ؛ مثل کسی که به او احتیاج دارد، &#171#171; وَ أَنْتَ يَا سَيِّدِي الْعَنَى عَنْهُمْ؛ و حال آنکه: ای آقای من! تو از این بی‌نیاز هستی. بعد دارد: &#171#171; ثُمَّ حَزَّ إِلَى الْأَرْضِ سَاجِدًا؛ طاووس یمانی می‌گوید: یک وقت دیدم زین‌العابدین روی زمین افتاد و شروع کرد به سجده کردن.

خدا آن چیزی که فکر می‌کنی، نیست!

من و تو خدا را نشناخته‌ایم. ببینید که چطور اولیایش با او صحبت می‌کنند؟ این اولیا، آن کسانی هستند که شناخت دارند.